

مطالعات فقه و حقوق اسلامی

سال ۱۳ - شماره ۲۴ - بهار و تابستان ۱۴۰۰

صفحات ۲۵۵ - ۲۸۲ (مقاله پژوهشی)

مطالعه تطبیقی سیاست جنایی ایران و مصر نسبت به ربا

سجاد عسگری آرانی / غلامحسین مسعود / محسن شکرچی زاده

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۲

چکیده

در طول سالیان گذشته تاکنون یکی از مهم ترین مباحث روز جامعه را موضوع ربا تشکیل داده و شناخت سیاست جنایی لازم در جهت کنترل آن حائز اهمیت است. موضوع ربا، عنوانی است که بر اساس آموزه های دینی نکوهش شده و از آن جهت که کشورهای مسلمان از جمله مصر نیز به مانند ایران سعی در اجرای اوامر دینی دارند، شناخت سیاست جنایی آنان در خصوص ربا و تطبیق آن با سیاست جنایی ایران در این زمینه می تواند گام مؤثری در جهت محقق کردن اقتصاد اسلامی باشد، لذا در این مقاله با استفاده از روش توصیفی تحلیلی، سعی در بررسی سیاست جنایی ایران و مصر نسبت به ربا گردیده تا بتوانیم سیاست جنایی مناسب در برخورد با ربا را شناسایی نمائیم. به نظر می رسد در ایران پاسخ به بزه ربا دولتی و به انحراف جمعی بوده و در کشور مصر در شرایطی خاص و بدون لحاظ فقه پاسخ دولتی داده شده و در سایر موارد پاسخ ها جمعی است.

کلیدواژه: نظام حقوقی، سیاست جنایی، جرم ربا، مدل.

پرتال جامع علوم انسانی

— گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

— گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران (نویسنده مسئول)

Dr.gh.masoud@gmail.com

— گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

مقدمه

از دیرباز در کشورهای اسلامی رباخواری حرفه ای بسیار پلید و ننگین شناخته شده، و اگر کسی تظاهر به این حرفه می کرد به شدت تقبیح و مجازات می شد. صدای قرآن در آیه ۲۷۹ سوره بقره که می گوید: «اگر رباخواری را ادامه می دهید آماده جنگ با خدا شوید» در گوش مردم مسلمان طنین انداز بود. در میان تحولات گوناگون که زندگی اجتماعی این کشورها را در قرن اخیر فرا گرفت، بانکداری بر اساس رباخواری هم شایع شد و بالاخره به علل مختلفی که شرح آن را در اسناد و مدارک مضبوط در پرونده های به غارت رفتن کشورهای جهان سوم به اصطلاح در حال توسعه باید جست رباخواری از نوع آبرومندانه اش در مؤسسات بانکی و به دست دولت ها و از نوع رسوا و نفرت بارش در بازار و به دست افراد سنگدل و بی رحم کاملاً در این کشورها جا باز کرده است.

قرآن کریم، حداقل در هفت آیه به روشنی حرمت ربا را بیان کرده است؛ از جمله آیه: «الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَخْبِطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا: آنان که ربا میخورند در قیامت چون کسانی از قبر بر می خیزند که به افسون شیطان دیوانه شده باشند و این به کیفر آن است که گفتند ربا نیز چون معامله است در حالی که خدا معامله را حلال و ربا را حرام کرده است» (بقره: ۲۷۵). از امام صادق (ع) نقل شده که فرمودند: «أَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ الرِّبَا لئَلَّا يَمْتَنِعَ النَّاسُ مِنْ اصْطِنَاعِ الْمَعْرُوفِ: خداوند ربا را به این دلیل حرام کرد تا مردم از کار نیک امتناع نورزند» (حرّ عاملی، ۱۴۱۴: ۱۸/۱۸۸).

از جمله موضوعات بحث برانگیز در جامعه ما، مسأله ربا و نحوه مواجهه فقه با این پدیده است. این موضوع برای افرادی که از طرفی خود را ملزم به اجرای حدود شرعی می دانند و از سوی دیگر، در حال ضرورت، نیازمند اخذ وام (اعمّ از بانک یا افراد عادی)، در مواردی مشکل ساز شده و ایشان را گرفتار چالش نموده است؛ زیرا

بسیاری از صورت های دریافت قرض و نحوه جبران و تأدیه آن در عرف جامعه، مشکوک بوده و شائبه گرفتاری به ربای حرام را نشان می دهد و صرفنظر از شیعه یا سنی بودن فرد، دارای عقوبت دنیوی بر اساس قانون مجازات اسلامی نیز می باشد.

نوع نگرش اسلام و مکاتب مادی به انسان، آزادی و سایر حقوق بنیادین بشر، مهم ترین عامل در تفاوت برخورد با رباخواری است. شناخت دقیق فلسفه تعیین مجازات برای ربا، می تواند از حساسیت های داخلی جلوگیری کرده و باعث کاهش این معضل در سطح جامعه گردد. ضمن این که مبتلی به بودن این موضوع در عصر حاضر از دلایل ضرورت پرداختن به آن در این مقاله است. با توجه به ضرورت و اهمیت بحث از بزه ربا، نسبت به واکاوی سیاست جنایی ایران در خصوص این موضوع، اقدام و از آنجا که بزه ربا، موضوعی نشأت گرفته از فقه اسلامی است با سیاست جنایی سایر کشورهای اسلامی مقایسه نمائیم؛ لذا در این راستا به بررسی این امر در کشور مصر می پردازیم؛ چراکه کشور مصر از جمله کشورهای اسلامی با وضعیت نسبتاً مطلوب اقتصادی می باشد؛ ضمن این که اقتدارگرا بودن سیاست جنایی ایران و جامعه‌ی بودن سیاست جنایی مصر به عنوان فرضیه در نظر گرفته شده تا با بررسی جامع سیاست جنایی کشورهای مختلف اسلامی، به شناخت سیاست جنایی مناسب در جهت برخورد با بزه ربا دست یابیم.

۱- سیاست جنایی ایران

۱-۱- رویکرد سیاست جنایی ایران

امروزه این مسأله مورد تأیید و پذیرش است که جای دادن نظام موجود کشورها در الگوهای خاص سیاست جنایی، از باب غلبه و شباهت خصوصیات اصلی آن نظام به یک الگوی خاص است و در درون خود نظام ها، گرایش به ابزارهای دیگر نیز همواره وجود دارد. با بررسی نظام حقوقی ایران می توان دریافت که سیاست جنایی

حاکم بر کشورمان اگرچه بیشتر جنبه تقنینی دارد، لیکن علیرغم دلالت اصول مختلف قانون اساسی - نظیر اصول ۲۲، ۳۲، ۳۳، ۳۶، ۱۵۶ و ۱۶۶ - که به صراحت به اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها دلالت دارد ذیل برخی قوانین و مقررات به صراحت قضات ضمن منع امتناع از رسیدگی و صدور حکم به بهانه سکوت، نقص، اجمال یا تعارض قوانین، موظف شده‌اند در مواردی که حکم دعوی در قوانین مدون یافت نمی‌شود، به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر استناد نموده و حکم قضیه را صادر کنند (حبیب زاده و زینالی، ۱۳۸۴: ۱۰)؛ بدین ترتیب، با تصویب چنین قوانینی عملاً مسأله حصر صلاحیت جرم‌انگاری و عمل به قوانین مدونه به چالش کشیده شده است (حبیب زاده، ۱۳۹۵: ۱۴۵).

ناگفته نماند که به مرور زمان، شاهد رشد نوعی سیاست جنایی مشارکتی در قالب نهادهای مردمی متولی پیشگیری از وقوع جرائم و نهادهای دیگری همچون شوراهای حل اختلاف و یا هیئت منصفه در قوانین کشور بوده ایم که نشانگر جداسدن سیاست جنایی کشور از شیوه‌های دولتی محض به سوی الگوهای جامعوی بوده که البته این حرکت بسیار کند و کمرنگ صورت می‌پذیرد و در مقاطعی نیز قطع یا برخلاف آن عمل شده است. به عنوان مثال، می‌توان به نهاد حفاظت اجتماعی اشاره نمود که همراه با فراز و نشیب در مقاطعی از زمان به عنوان نهادی رسمی و دولتی و با مشارکت عمومی به شکلی خاص عمل نموده است (شیخ الاسلامی، ۱۳۸۰: ۲۰۳/۱).

به طور خلاصه می‌توان گفت مبانی سیاست جنایی تقنینی در مبارزه با فساد مالی ذیل دو حوزه: مبانی دینی و قانونی قابل بررسی و ارزیابی است. در توضیح پیرامون مبانی دینی باید گفت که در نظام اسلامی به کنترل درونی و پیشگیری از وقوع ناهنجاری (اعم از گناه یا جرم) بیش از کنترل بیرونی و اجرای مجازات توجه شده و گذشته از اصول اعتقادی توحید، نبوت و معاد که به خودی خود انگیزه کافی را برای هنجارمندی مؤمنان فراهم می‌آورد، اعمال عبادی همچون نماز و روزه که تمرینات

عملی و تظاهر بدنی به عبودیت و طاعت محسوب می شوند نیز نقش بازدارندگی از ارتکاب شخص به ناهنجاری ها را ایفا می کند (حسینی، ۱۳۸۳: ۱۳۱ به نقل از شامیاتی و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۰۴). به طور کلی در اسلام دستور العمل هایی در جهت پیشگیری از ارتکاب شخص به گناه و آلودگی در نظر گرفته شده که موجب احیای ارزش های اخلاقی جامعه و دوری مردم (بخصوص کارگزاران) از ارتکاب به گناه و جرم گردیده است. به واسطه وجود همین ویژگی هاست که پیامبر گرامی اسلام، هدف غایی بعثت خود را اتمام محاسن اخلاقی معرفی نموده است (مجلسی، ۱۴۰۴: ۳۸۲/۶۸).

۲-۱- مدل سیاست جنایی

اگر سیاست جنایی را بررسی معرفت شناختی پدیده مجرمانه و شناسایی و تحلیل ابزارها و امکاناتی بدانیم که به منظور مبارزه با رفتارهای کژمدارانه و بزه کارانه اجرا می شود، راهبرد حقوقی اجتماعی مبتنی بر باورهای اجتماعی که به منظور پاسخگویی واقع بینانه به مسائلی که درباره پیشگیری از پدیده مجرمانه (در معنای وسیع کلمه) و سرکوبی آن مطرح می شود (لازرژ، ۱۳۹۵: ۲۴) نیز برخی از سیاست جنایی به شمار می رود. آن چه در این میان از اهمیت ویژه برخوردار است کارآمدی راهبردی است که انتظار می رود پیشگیرانه و در عین حال سرکوبگرانه باشد.

هرچند سیاست جنائی تقنینی کشور در خصوص جرم انگاری ربا و تعیین مجازات برای ربا دهنده، رباگیرنده و حتی واسطه بین آنها شفاف است، اما ملاحظه روابط مالی افراد در جامعه، مبین این واقعیت است که به رغم منع شدید شرعی و قانونی، تعداد زیادی از مردم از ارتکاب جرم ربا رویگردان نیستند و چون تمام مراحل پرداخت و دریافت ربا به صورت توافقی و با رضایت طرفین تکوین می یابد، این رفتار مجرمانه جز در موارد نادر اصولاً به دادگستری منتقل نمی شود. به عنوان نمونه، می توان اشاره نمود که در سال ۱۳۸۱ از بین ۳۶۳۰۰ پرونده وارده به دادگاه های تجدیدنظر استان

تهران، صرفاً ۴۰ پرونده با موضوع ربا بوده که از بین این ۴۰ پرونده نیز تنها یک پرونده منتهی به رأی محکومیت شده است.

بررسی پرونده‌های تشکیل یافته در خصوص ربا حکایت از این دارد که تنها در مواردی که ربا دهنده، موفق به بازپرداخت اصل و فرع وام دریافتی نشده و در نتیجه، رباگیرنده به منظور وصول وجوه یاد شده علیه او اقامه دعوی می‌کند، ربا دهنده مسأله پرداخت ربا را مطرح می‌نماید. به عبارت روشن‌تر، شکایت نسبت به جرم ربا اغلب در قالب دعوای متقابل مطرح می‌شود و کمتر مستقلاً به محاکم ارجاع می‌شود. علت این امر هم به نظر نمی‌رسد انابه ربا دهنده نسبت به قبیح عمل ارتكابی خویش باشد، بلکه از افشای موضوع ربا تنها قصد فرار از موقعیت دشوار قانونی‌ای را دارد که در اثر شکایت رباگیرنده برای وی به وجود آمده است و همانگونه که بیان شد چون تمام مراحل تکوین جرم به صورت توافقی انجام یافته است معمولاً ربا دهنده برای اثبات ادعای خود مبنی بر پرداخت ربا نیز هیچ دلیلی در دست ندارد. بر این اساس، چنین پرونده‌ای بدون ادله اثبات مانده و سرانجام آن به رأی برائت رباگیرنده ختم می‌شود.

شاید بتوان گفت که قضات در این خصوص همراه مردم جامعه راه می‌روند و در نتیجه و به تدریج از حساسیت آنها نسبت به جرم ربا کاسته شده و در مواجهه با چنین پرونده‌هایی رویکردی مثبتی بر پیش فرض عدم امکان اثبات از خود نشان می‌دهند و همین امر، منجر به سیاست جنایی خاصی گردیده است که نتیجه آن کاملاً با سیاست جنایی قضائی در خصوص جرائمی نظیر سرقت یا قتل متفاوت است. در تقابل سیاست جنائی تقنینی با سیاست جنائی قضائی در خصوص موضوع مورد بحث، برتری با سیاست جنائی قضائی است. با این حال، شیوه متخذه قانونگذار در مورد جرم ربا، نیاز به بازنگری اساسی دارد؛ چراکه در صورت عدم امکان اصلاح وضعیت اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جامعه، جرم انگاری به نحوی که صورت گرفته موجب می‌شود اعمالی که تعداد قابل توجهی از افراد جامعه ارتکاب آن را جایز می‌دانند جرم تلقی و

به منزله قرار دادن بسیاری از مردم در معرض ارتکاب جرم است که سیاست سنجیده ای به نظر نمی رسد.

در گذشته ای نه چندان دور، آن چه بیشتر وجهه همت نویسندگان، محققان، قانونگذاران و نیز مجریان قانون قرار داشته، مبارزه با جرم و سرکوبی آن بوده است. ولی در حال حاضر به نظر می رسد یکی از بهترین و مؤثرترین راهکارهای مبارزه با جرم، پیشگیری از وقوع آن باشد. بنابراین اقدامات پیشگیرانه در معنای عام کلمه به تدریج جای خود را در مباحث حقوقی باز کرده است؛ لیکن می توان گفت راهکارهای موردنظر جهت مبارزه با جرم ربا بسیار بیشتر از راهکارهای مربوط به پیشگیری از جرم ربا بوده است.

سیاست جنایی در مبارزه با جرم ربا ترکیبی از پیشگیری و سرکوبی را مفید دانسته و در این راستا تعامل و همکاری میان دولتمردان و آحاد افراد جامعه را ضروری می انگارد. با توجه به این که واکنش در قبال این عمل مجرمانه - اعم از پیشگیری و سرکوبی - از اعمال حاکمیتی می باشد، نقش دولت در چگونگی ایجاد ساز و کارهای مربوطه و ماهیت آن در راستای کاهش جرم به میزان زیادی جلب توجه می کند.

سیاست جنایی اجرایی در رابطه با مبارزه با جرم ربا بسیار حائز اهمیت است. به نظر می رسد از جمله سیاست های پیشگیرانه ای که از سوی قوه مجریه می تواند انجام گیرد ارائه آموزش کسب و کار جهت شکوفایی زندگی افراد، ترویج احسان و نیکی در رسانه ها، تخصیص منابع پولی و خدماتی به مردم از طریق بانک ها و جمع آوری صندوق ها و مؤسسات اعتباری است.

در مقوله گزارش جرائم به مرجع انتظامی به عنوان نهادی اجرایی، نباید از وجود افسران و کارشناسان انتظامی که توانایی برقرار نمودن ارتباط دو سویه با افراد جامعه دارند غافل بود و اینگونه افسران می بایست ابتدا برنامه های آموزش همگانی پلیس در

راستای پیشگیری از وقوع جرایم و شناسایی آسیب‌های اجتماعی ناشی از گزارش نکردن جرائم تهیه نموده و بر اساس آن کارشناسان مجرب انتظامی جهت برگزاری کارگاه آموزشی به مدارس جهت آموزش اعزام کردند تا امر گزارش از همان دوران تحصیل در بین محصلان امروز و جامعه فردا نهادینه شود. همچنین برنامه‌های آموزش همگانی برای مردم متناسب با آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی عموم جرایم خصوصاً جرم ربا در سطح جامعه تهیه شود؛ سپس کارشناسان انتظامی مجرب برای آگاه‌سازی عمومی مردم، به اماکن عمومی مانند مساجد اعزام شوند. به نظر می‌رسد در وهله اول، آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی جرم ربا باید برای مردم توضیح داده شود؛ برای مثال، مشکلات شخصی که ربا می‌دهد نسبت به گذشته بیشتر می‌شود و چه بسا این فرد به سایر جرایم از سرقت و کلاهبرداری گرفته تا قتل رباخوار برای جبران ضرر خویش دست می‌زند که در این حین، سایر افراد جامعه نیز از این جرم ربا که منتج به جرایم زنجیره‌ای دیگر شده، مصون نخواهند بود و این امر با گزارش به موقع مطلعین می‌تواند تا حدود زیادی پیشگیری شود.

۳-۱- سیاست جنایی افتراقی

در این مبحث ما به راهکارهایی که می‌توان برای کاهش جرم ربا با تغییراتی در سیاست جنایی انجام شود می‌پردازیم. درک ضرورت وجود یک سیاست جنایی خاص و کارآمد در قبال جرم ربا، خلأیی است که جامعه فعلی ما از آن رنج می‌برد.

۳-۱-۱- کاهش نرخ سود بانکی و تسهیل وام دهی

کاهش نرخ سود بانکی و تسهیل وام دهی تاثیر مستقیمی در کاهش رباخواری دارد. با این توضیح که با انجام این امور، مردم از یک جهت نسبت به سپرده‌گذاری در بانک‌ها به علت پائین بودن نرخ سود خودداری می‌نمایند و از سوی دیگر، با توجه به سهولت اخذ وام، مبادرت به دریافت وام از بانک‌ها - بدون مراجعه به

رباخواران سطح جامعه- نموده و می توانند در کارهای مولد به فعالیت پرداخته و در نهایت، موجبات رشد اقتصادی را فراهم نمایند.

البته به این نکته نیز باید اشاره کرد که کاهش نرخ سود بانکی به معنای از بین رفتن کامل ربا و ریشه کنی آن در بانک هایی که فقط با وام دهی معاش می کنند، نمی شود؛ چون طبق شریعت اسلام و احادیث وارده ربا چه اندک و چه زیاد آن، ربا محسوب می شود؛ بنابراین نمی توان گفت که چون نرخ سود بانکی را برای مثال دو درصد کاهش داده ایم ربا محقق نمی شود؛ ولی با این کار می توان امیدوار بود که در آینده ای نزدیک با نرخ نزولی بهره بانکی و رسیدن آن به دو درصدی که برای عملیات های بانکی و اداری واقعاً وجود دارد ربا در این عرصه ریشه کن شود.

اخذ سود فراوان از ناحیه بانک ها و سایر مراجع اعطا کننده وام و همچنین تقاضای چند ضامن و سختگیری های بیش از حد این مراجع در پرداخت وام نیز سبب شده است که قبح دریافت و پرداخت ربا در بین مردم به شدت کاهش یابد - هرچند به ظاهر اخذ سود در بانک ها بر اساس عقود اسلامی و نه به عنوان ربا صورت می گیرد - به نحوی که اگر فردی حاضر شود با سودی کمتر نسبت به مراجع یاد شده به مردم پول قرض بدهد، به نظر می رسد که رفتار وی حداقل در بین عموم مردم چندان قبیح به نظر نخواهد رسید و حتی در برخی مواقع، اشخاص محترمی به نظر برسند. دقیقاً بر همین اساس است که به قانون کنونی مبارزه با جرم ربا احترام گذاشته نمی شود (ملکی، ۱۳۹۵: ۳۴).

۲-۳-۱- اجباری نمودن انواع بیمه ها

اجباری نمودن بیمه برای زندگی و مشاغل افراد یکی از راه های پیشگیرانه در جهت جلوگیری از بزه رباست؛ بدین نحو که در صورتی که اشخاص مجبور به بیمه نمودن مثلاً شغل خویش گردند در صورت بروز ضرر و زیان اقتصادی می توانند با رجوع به بیمه، ضرر و زیان وارده را جبران نموده و مجبور به مراجعه به رباخواران و

پرداخت ربا نشوند؛ چراکه غالباً مشاهده می شود جبران ضرر و زیان های اقتصادی، از جمله علل تمایل افراد به پرداخت ربا می باشد.

یکی از اصول بیمه، جبران خسارت است و طبق این اصل، بیمه گذار خسارت دیده، از طریق بیمه باید در همان وضع مالی پیش از وقوع خسارت قرار گیرد نه بیشتر؛ زیرا کارکرد بیمه فقط جبران مالی خسارت است و بیمه گذار نباید از بیمه درآمدی به دست آورد. بنابراین در راستای کاهش جرم ربا در مبحث سیاست جنایی افتراقی می توان از اجباری نمودن مردم به بیمه کردن مشاغل خود نام برد؛ برای مثال در صورتی که فرد باغدار، ضرر و زیان جبران ناپذیری که مسبب آن طوفان و یا سیل باشد را ببیند به جای ربا دادن به بیمه رجوع کرده و جبران مافات می کند. در کشور ما در بسیاری از مشاغل بیمه ها ورود پیدا کرده اند ولی متأسفانه اکثر قریب به اتفاق موارد، بیمه ها به صورت اختیاری اند و نه اجباری؛ که به نظر می رسد این اجباری نمودن - با فرض پابندی شرکت های بیمه به جمیع تعهدات خویش - می تواند در راستای کاهش جرم رباخواری مؤثر واقع شود.

۳-۱- ضرورت تغییر قوانین

الف: عدم کارایی مجازات برابر

با اندکی توجه به قوانین موجود در رابطه با جرم ربا مشاهده می شود که فقط در ماده ۵۹۵ قانون مجازات اسلامی^۱ بخش تعزیرات به طور صریح در مورد آن صحبت به میان آورده است.

۱. ماده ۵۹۵: هر نوع توافق بین دو یا چند نفر هر قراردادی از قبیل بیع، قرض، صلح و امثال آن جنسی را با شرط اضافه با همان جنس مکیل و موزون معامله نماید و یا زاید بر مبلغ پرداختی، دریافت نماید ربا محسوب و جرم شناخته می شود. مرتکبین اعم از ربا دهنده، رباگیرنده و واسطه بین آنها علاوه بر رد اضافه به صاحب مال به شش ماه تا سه سال حبس و تا (۷۴) ضربه شلاق و نیز معادل مال مورد ربا به عنوان جزای نقدی محکوم می گردند.

البته با اندکی تأمل در آن متوجه کاستی‌هایی می‌شویم که لزوم تغییر آن در جهت کاهش جرم ربا احساس می‌شود. مجازات برابر از عبارت «مرتکبین اعم از ربا دهنده، و رباگیرنده و واسطه بین آنها» به خوبی مشخص است؛ به نحوی که حتی می‌توان واسطه ربا را نیز محکوم به پرداخت جزای نقدی نمود و مجازات معاون جرم به مانند مجازات مباشرین بزه تعیین شده است!

مجازات برابر، از موجبات پنهان ماندن این جرم از دید قانون است و نه تنها هیچ یک از طرفین حاضر به اعلام شکایت نیستند بلکه واسطه معامله ربوی که در واقع همان معاون جرم است که ارتکاب ربا را با وساطت خویش تسهیل می‌نماید نیز به حبس، شلاق تعزیری و جزای نقدی محکوم می‌شود که البته مورد اخیر الذکر را می‌توان با اعمال سیاست تقنینی افتراقی از سوی قانونگذار توجیه نمود.

ب: جلوگیری از پنهان بودن جرم ربا

پنهان بودن جرایم نه تنها موجب تجرّی مجرمان می‌شود بلکه آمار نادرستی که به تصمیم‌گیرندگان حوزه پلیسی و قضایی می‌دهد موجب می‌شود تا نتوان سیاست جنایی صحیحی در رابطه با آن جرم اتخاذ شود. متأسفانه رباخواری به فرهنگی متداول در برخی اصناف تبدیل شده است. با توجه به گسترش فناوری‌های اطلاعات و ارتباط و راه اندازی سیستم‌های جامع اطلاعاتی در نیروی انتظامی و ثبت اطلاعات مجرمان در بانک‌های اطلاعاتی، کاربرد تکنیک‌های داده کاوی و کشف دانش به منظور تحلیل و ریشه‌یابی جرائم یکی از ضرورت‌های پلیس ایران و دستگاه قضایی می‌باشد، ولی مشاهده می‌شود که در جرایمی که بزه دیده و بزه‌کار مشخص نیستند یا هر دو مجرم هستند - همانند رباگیرنده و ربا دهنده - کشف به سختی صورت می‌پذیرد.

شکلی نیست که در عصر فناوری و ارتباطات، پلیس می‌تواند با بهره‌گیری از مشارکت مردمی در پیشبرد اهداف خود که پیشگیری از وقوع جرایم است اقدامات مؤثری به عمل آورد. بررسی الگوهای جلب مشارکت مردمی در فرایند پیشگیری از

وقوع جرائم به منظور شناخت جایگاه شهروندان در پیشگیری از وقوع جرایم به ارائه راهکارهای مناسب در راستای ورود شهروندان به این عرصه منجر می شود (رجبی، ۱۳۹۰: ۲).

در واقع، مردم می توانند با گزارش سریع جرایم و شهادت دادن علیه مجرمان به پلیس بسیار کمک کنند. در واقع، پلیس باید بتواند نشان دهد که مشارکت مردمی، بخشی از یک برنامه استراتژیک بزرگ تر و جامع تر است و بدین طریق، تعهد خود را ثابت کند. رابطه پلیس با مردم باید غیر رسمی باشد تا اعتماد و همکاری بین آنها شکل گیرد. البته باید کاملاً توجه داشت که نحوه برخورد دستگاه قضا با مجرمین، خود یکی از عوامل تأثیرگذار بر گزارش جرم توسط مردم است که اگر هرگونه اهمالی در برخورد با مجرمین در دستگاه قضا صورت پذیرد امر گزارش دادن جرایم مخصوصاً جرمی همانند ربا مختل خواهد شد.

تشویق مردم به گزارش این جرم می تواند بسیار مهم باشد، زیرا تنها در صورتی فاعلین این جرم گزارش خود را تسلیم دستگاه قضا یا پلیس می کنند که با توجه به تبصره ۲ ماده ۵۹۵ قانون مجازات اسلامی، مضطرب بوده و از مجازات معاف شوند. بنابراین باید آموزش داده شود که گزارش مردمی در راستای کاهش جرم ربا و همچنین ثبات اقتصادی و جلوگیری از پنهان ماندن بزه ربا مفید می باشد.

با توجه به نحوه تعیین مجازات در قانون مجازات اسلامی - حداقل تا زمان اصلاح قانون - به نظر می رسد نحوه گزارش دهی مردم می بایست به نحوی باشد که موجب شناسایی گزارش دهندگان نگردد و با استفاده از ظرفیت سامانه های الکترونیک به نحوی از مردم خواسته شود تا نسبت به اعلام رباخواری در سامانه به صورت ناشناس اقدام نمایند تا قوه قضائیه به بررسی صحت یا سقم موضوع و برخورد با افرادی که در جامعه منبع درآمد خویش را اخذ ربا قرار داده اند، پردازد و با مخفی ماندن هویت

گزارش دهندگان اعتماد آنان از عدم برخورد با آنها جلب و به اعلام مشخصات رباخواران و نحوه عمل آنان رغبت نمایند.

۲- سیاست جنایی مصر

۲-۱- فلسفه جرم انگاری ربا

در حقوق مصر، دو جرم مرتبط با بهره و ربا مشاهده می گردد که عبارت اند از:

۱- سوء استفاده از ضعف نفس و هوی و هوس قرض گیرنده و انعقاد قرض به

سودی بیش از حد مجاز قانونی؛ ۲- اعتیاد به اقراض به ربای فاحش.

حقوقدانان مصری در بیان حکمت و فلسفه جرم انگاری عنوان مجرمانه اول و

مصالح مورد حمایت قانونگذار در جرم انگاری آن دو هدف و علت عمده را بیان

نموده اند که عبارت اند از: الف: هدف اقتصادی؛ ب: هدف حمایتی

الف: هدف اقتصادی: علمای حقوق مصر، افراد ضعیف و دارای هوای نفس را

بیشتر ناظر به کسانی دانسته اند که تصمیم گیری هایشان به جای این که بر مبنای خرد

و تدبیر و حسابگری باشد براساس هوی و هوس و رفع حوائج مادی زودگذر می باشد

(حسنی، ۱۹۹۲: ۴۵۳).

این افراد در عرصه مسائل اقتصادی نیز دست به اقداماتی می زنند که دارای توجیه

اقتصادی نیست؛ برای مثال، در صورتی که وامی دریافت بنماید به جای این که آن را

صرف تولید و مصارف سودمند اقتصادی نمایند تا علاوه بر سودی که قرار است به وام

دهنده پرداخت نمایند سود و منفعتی نیز عاید خود آنان شود و در نتیجه، کارآیی و

کارآمدی کل نظام اقتصادی و تولید ناخالص ملی افزایش یابد، در جهت رفع حوائج

و لذا زودگذر و خوشگذرانی و شهوترانی مصرف می نمایند. در نتیجه، نه تنها از

این وام مأخوذه، سودی عاید آنان نمی شود بلکه در بازپرداخت اصل پول به وام

دهنده نیز با مشکل مواجه می شوند؛ لذا هر دو طرف عقد قرض، متضرر شده و کل نظام اقتصادی نیز دچار ضرر و زیان می گردد.

ب: هدف حمایتی: قانونگذار افراد ضعیف و دارای هوای نفس را مستحق حمایت خویش قرار داده است و برای جلوگیری از این که افراد سرمایه دار سودجو از این وضعیّت غیر عادی آنان سوء استفاده نماید و با پرداخت وام با بهره سنگین، موجب تضرر آنان شده و به اموال و دارایی های خویش به صورت نامشروع بیفزایند چنین جرمی جعل نموده است (عبدالملک، ۲۰۰۸: ۷۶۲).

هدف قانونگذار مصری از جرم انگاری عنوان مجرمانه دوم، مبارزه بی قید و شرط با ربای فاحش نیست؛ زیرا اگر چنین هدفی می داشت این موضوع را بدون هر گونه قید و شرط مورد جرم انگاری قرار می داد. در شرایط عادی چنان چه شخصی به دیگری به سود فاحش، قرض بدهد مجرم نمی باشد. چنان چه فردی بیش از یک بار به دیگران سود فاحش قرض داده و این عمل را تا حدی تکرار می کند که گفته می شود معتاد به آن شده است چنین فردی در معاملات و اعطای وام، دارای حسن نیت نیست بلکه به دنبال زیاده خواهی و کسب ثروت نامشروع و غیر متعارف است که چنین هدف و نیتی را نمی توان از یکبار قرض دادن به ربای فاحش استخراج نمود (عبدالملک، ۲۰۰۸: ۷۶۶)؛ بنابراین می توان گفت هدف قانونگذار، مقابله با وضعیتی است که رباخوار دچار آن شده است.

۲-۲- مبانی جرم انگاری ربا

سیاست جنایی در قبال رباخواری سبب می شود بستر امنی در جامعه در جهت حفظ حقوق شهروندان و همچنین بستر مناسبی برای فعالان اقتصادی و تجاری ایجاد می شود و فعالیت های تجاری و بازرگانی در غالب یک امنیّت اقتصادی در جامعه رشد یابد تا فعالان اقتصادی با امنیّت و آسایش، به راحتی بتوانند به فعالیتشان ادامه دهند.

در اقتصاد سرمایه داری، دریافت بهره در پرداخت وام مجاز شمرده شده است. در سیستم اقتصاد غربی یکی از مباحث اصلی مطرح این مطلب است که آیا لازم است دولت، نرخ بهره را کنترل نموده و در این راستا محدودیت‌هایی اعمال نماید؟ بسیاری از علمای اقتصاد بر این باورند که همانگونه که دولت در تعیین بهای سایر کالاها و خدمات مداخله‌ای ندارد و نیروهای موجود در بازار و میزان عرضه و تقاضا، قیمت را معین می‌نمایند تعیین نرخ سود و سرمایه‌گذاری را هم باید به بازار واگذار نمود که به تناسب نرخ آن در بازار عوامل تولید معین گردد و در نهایت، خود بازار بدون هرگونه مداخله دولت سبب اختلال در روند طبیعی امور و بی‌نظمی خواهد شد. اما بسیاری از کشورها به جهت مفساد مترتب بر آزادسازی نرخ بهره، محدودیت‌هایی برای آن قایل می‌باشند. چنان که در حقوق فرانسه، اعطای وام به بهره‌ای بیش از آن چه قانون معین نموده است جرم بوده و مرتکب آن قابل مجازات می‌شود.

سیستم اقتصادی مصر نیز به تبع اقتصاد غرب، اصل معاملات ربوی را برخلاف فقه حنفی به رسمیت شناخته است اما قانونگذار مصری در خصوص نرخ بهره اقدام به اعمال محدودیت‌هایی بین طرفین عقد قرض نموده است:

اولاً- از دیدگاه قانون مدنی مصر، اصل بر معجانی و غیر انتفاعی بودن عقد قرض است مگر آن که دریافت و پرداخت بهره، در عقد شرط شده باشد. بنابراین در صورت سکوت طرفین راجع به تبرعی یا انتفاعی بودن قرض، اصل گفته شده حاکم است. در این خصوص، ماده ۵۴۲ قانون مدنی مصر مقرر می‌دارد: «قرض گیرنده مکلف است سود مورد توافق را در زمان حلول مواعد پرداخت نماید. اگر در این خصوص توافقی موجود نباشد قرض غیر انتفاعی محسوب می‌گردد.»

ثانیاً- به موجب ماده ۱۲۵ قانون مدنی این کشور «حداکثر سودی که طرفین عقد قرض می‌توانند بر آن توافق نمایند هفت درصد می‌باشد». در خصوص این که ضمانت اجرای شرط بهره به سود بیش از هفت درصد چیست؟ گفته شده است که در

این حالت، عقد قرض تا سود هفت درصد صحیح بوده و قرض دهنده مستحق دریافت سود به میزان مذکور می باشد اما شرط سود به میزان مازاد بر آن باطل و وام گیرنده مستحق استرداد آن می باشد (سنهوری، ۲۰۰۷: ۴۶۶).

در حقوق جزای مصر، صرف اعطای وام ربوی حتی به سود فاحش، جرم تلقی نشده است بلکه جهت تحقق جرم وجود شرایط و اوضاع و احوال خاصی نیز لازم می باشد.

۳-۲- تعریف ربا در حقوق مصر

در حقوق مصر جهت ارائه جرم ربا باید نص قانونی که به موجب آن این عمل مجرمانه تلقی گردیده است بررسی شود. قانونگذار مصری در ماده ۳۳۹ قانون مجازات مقرر می دارد:

«کل من انتهز فرصه ضعف اوهوی نفس شخص و اقرضه نقوداً بای طریقه کانت بقائده تزیید عن الحد الاقصى المقرر للفوائد الممكن الاتفاق علیها قانوناً یعاقب ... و کل من اعتاد علی اقراض نقود بای طریقه کانت بقائده تزیید عن الحد الاقصى للفائده الممكن الاتفاق علیها قانوناً یعاقب ...: هر کسی که از فرصت ضعف نفس یا هوی و هوس دیگری سوء استفاده نماید و به او به هر طریق ممکن به سودی بیش از حد مجاز قانونی وجه نقد قرض بدهد مجازات می شود ...؟ و هر کس که به قرض دادن وجوه نقد به هر نحو ممکن به سودی بیش از حد مجاز قانونی اعتیاد حاصل نماید مجازات می شود ...»

ملاحظه می شود در حقوق مصر در ارتباط با ربا دو عنوان مجرمانه جعل شده است: یکی «سوء استفاده از ضعف نفس و هوی و هوس و قرض دادن وجه نقد به او به سودی بیش از حد مجاز قانونی» و دیگری «اعتیاد به قرض دادن به سودی بیش از حد قانونی».

علیهذا در حقوق این کشور نفس قرض یا معامله ربوی به خودی خود جرم نیست بلکه قرض وجه نقد به سودی بیش از آن چه قانون مقرر نموده است در صورت اجتماع شرایطی جرم تلقی گردیده است. بنابراین ملاحظه می کنیم جرم ربا در حقوق مصر اگرچه با معنای لغوی آن شباهت هایی دارد اما از معنای مصطلح و فقهی آن فاصله گرفته است.

این تفاوت در شرایط و ارکان جرم ربا و ویژگی های آن در نظام های حقوقی ایران و مصر از اختلاف مبنایی بین قانون ایران و مصر ناشی می شود؛ بدین ترتیب که مبنای جرم ربا در حقوق ایران آموزه های شرع مقدس اسلام و منابع و متون فقهی است اما جرم در حقوق مصر از قوانین کشورهای غربی مانند فرانسه اقتباس شده است. در حقوق فرانسه در ابتدا مفهوم ربا با معنای آن در حقوق اسلام منطبق بوده و به معنای مطلق سود در وام و قرض اطلاق می شد، اما بعدها به تدریج واژه «ربا» به تبع تحولات اقتصادی دچار تحول شد و برای تعریف هر منفعتی که به میزان بیش از نرخ قانونی یا عرفی از قرض بدست می آید مورد استفاده قرار گرفت.

در حقوق فرانسه، واژه «usure» «ربا» برخلاف حقوق ایران به مطلق «اضافه» در قرض یا مبادلات اطلاق نمی شود بلکه آن سودی مورد نظر است که از متوسط نرخ معمول در معاملات ربوی با حسن نیت بیشتر باشد و محل آن فقط در قرض است، نه مبادلات دیگر.

جرائم مرتبط با ربا (جرایم موضوع ماده ۳۳۹) در سال ۱۹۱۲ به قانون مجازات مصر راه یافته است. جرم «اعتیاد به ربای فاحش» از قانون مصوب اکتبر ۱۷۸۹ فرانسه اقتباس شده است. اگرچه قوانین مرتبط با جرم ربا در حقوق فرانسه دستخوش تحولات عدیده ای شده است اما قانون مجازات مصر چنین تحولاتی را به خود ندیده است. جرم «سوء استفاده از ضعف نفس و هوی و هوس قرض گیرنده و اعطای قرض به سود

غیر مجاز» سابقه ای در حقوق فرانسه ندارد بنابراین آن را می توان از ابتکارات قانون مصری دانست.

بنابراین جرم ربا را در حقوق مصر می توان اینگونه تعریف نمود: «ربا عبارت است از سودی بیش از حد اکثر مجاز قانونی و در صورتی جرم است که قرض دهنده با سوء استفاده از ضعف نفس و هوی و هوس وام گیرنده او را مایل به دریافت وام کرده باشد یا آن که اعطای قرض به سود مذکور به عنوان عادت وام دهنده تبدیل شده باشد و جهت تحقق جرم، دریافت سود مورد توافق توسط وام دهنده شرط نمی باشد.»

۴-۲- سیاست جنایی

۱-۴-۲- سیاست جنایی افتراقی

الف: معیارهای افتراقی سازی سیاست جنایی

افتراقی سازی به لحاظ تاریخی، ابتدا به صورت دو قطبی یا دو گانه سازی سیاست جنایی مطرح شد. در آغاز، این باور وجود داشت که جرایم یا عادی هستند یا خطرناک. بزهدکار نیز یا فاقد سابقه کیفری یا دارای سابقه مجرمانه مکرر است. بنابراین سیاست جنایی عادلانه باید این تفاوت ها را در راهبردها و راهکارهای شکلی، ماهوی و جرم شناختی خود لحاظ نماید و برخورد آن با این جرایم و مجرمان یکسان نباشد. با گذر زمان، افتراقی سازی سیاست جنایی، دارای هندسه چند ضلعی شد و افزون بر جرم و مجرم، موقعیت جرم، آماج جرم و شخص بزه دیده و به طور کلی موقعیت یا وضعیت پیش جنایی را نیز در جهت گیری ها و محتوای برنامه های خود وارد نمود.

به این ترتیب، افتراقی شدن یا افتراقی سازی سیاست جنایی حکایت از پیچیده تر و متنوع تر شدن جوامع بشری از نظر علمی، فرهنگی و اقتصادی دارد که به نوبه خود موجب تنوع جرایم، مرتکبان و موقعیت ها یا وضعیت های پیش جنایی، آماج ها و قربانیان جرایم شده است. اگر رسالت اصلی سیاست جنایی را تولید و تضمین امنیت اجتماعی و سیاسی تعریف کنیم، این امنیت در حوزه های مختلف تعریف می شود. افزون بر جان و مال که ارزش های تاریخی حقوق کیفری محسوب می شوند، محیط

زیست، کرامت انسانی، ارزش های سایبری، ارزش های زیست اخلاقی و ...، نیز نیاز به حمایت و امنیت دارند.

بدین سان، افتراقی سازی تقنینی سیاست جنایی عمدتاً در چارچوب سه معیار: گونه شناسی جرایم، گونه شناسی بزهکاران و گونه شناسی بزه دیدگان صورت گرفت (لازرژ، ۱۳۹۵: ۵۸-۵۹).

ب: افتراقی سازی بر پایه معیار بزهکار

آورده اصلی مطالعات و تحقیقات جرم شناختی تأکید بر جنبه انسانی جرم یعنی مرتکب آن داشت. فعل مجرمانه و نحوه ارتکاب آن می تواند گویای ویژگی های شخصی - اجتماعی بزهکار باشد. شناخت شخصیت و ویژگی های اجتماعی او ما را به انگیزه ارتکاب جرم و درجه خطرناکی مرتکب هدایت می کند. بدین سان مرتکبان جرایم جنحه ای که خفیف تر از جرایم جنایی هستند، ممکن است از نظر انگیزه، شخصیت، سلامت روان و جسم و ظرفیت جنایی خطرناک تر از مرتکبان جرایم جنایی باشند. وانگهی، موقعیت اجتماعی، میزان تحصیلات و جامعه پذیر و مدنی بودن مرتکب در نوع جرم، شیوه ارتکاب آن، انگیزه مجرمانه و رفتار با بزه دیده تأثیر بسزایی دارد که حقوق کیفری به طور خاص و سیاست جنایی در سطح وسیع تر، آنها را در راهبرد خود در نظر می گیرد (اشخاص حقوقی در برابر اشخاص حقیقی، بزهکاران یقه سفید در برابر بزهکاران یقه آبی، بزهکاران دولتی در برابر بزهکاران غیر دولتی).

ناگفته پیداست که عنصر یا معیار مرتکب، به نوبه خود موجب وضع قوانین ماهوی و شکلی و رفتار کیفری متفاوت شده است (لازرژ، ۱۳۹۵: ۶۰).

در خصوص ربا همان طور که مطرح شد قانونگذار مصری طی دو عنوان مجرمانه در یک ماده مبادرت به جرم انگاری نموده است و ذیل ماده ۳۳۹ قانون مجازات که بیان می دارد: «... هر کس که به قرض دادن وجوه نقد به هر نحو ممکن به سودی بیش

از حد مجاز قانونی اعتیاد حاصل نماید مجازات می شود...» با توجه به وضعیت مرتکب، اعتیاد و خطرناکی وی به جرم انگاری مستقل پرداخته و سیاست جنایی افتراقی بر پایه معیار بزهکار را برگزیده است.

ج: افتراقی سازی بر پایه موقعیت مشرف بر جرم، آماج و قربانی جرم

موقعیت یا وضعیت پیش جنایی یا مشرف بر ارتکاب جرم ابتدا در رابطه با چگونگی مقابله با جرم، برای منصرف کردن مجرم از گذر از اندیشه و نقشه جنایی به عمل مجرمانه با راهکارهای پیشگیری وضعی سنتی، فنی و فناورانه، از منظر بزه دیده شناسی، مطرح شد. وضعیت ماقبل جرم معمولاً دارای دو رکن است: رکن اول، عبارت است از آماج جرم یا هدف مجرم، اعم از این که این هدف انسان باشد یا شیء یا یک ارزش یا یک حیوان حمایت شده در قانون مجازات و... و رکن دوم، عبارت است از مکان و گاه زمان ارتکاب جرم.

موقعیت بزه دیده نیز همچون موقعیت اجتماعی مرتکب جرم، گاه جزو عناصر جرم به شمار می آید؛ مانند جرم اختلاس که بزهکار باید کارمند دولت باشد و بزه دیده نیز بخش دولتی و عمومی است، اما در سرقت عادی، موقعیت بزه دیده جایگاه خاصی ندارد. لیکن در سیاست جنایی افتراقی شده، قانونگذار گاه به هنگام جرم انگاری و تعریف جرم، به جای این که از عمل مجرمانه شروع کند، بر موقعیت جرم یا بزه دیده تاکید می نماید؛ زیرا مجرم مصمم، چنان چه موقعیت ارتکاب جرم و آماج مورد نظر خود را مناسب تشخیص دهد، مرتکب جرم می شود.

بدین سان سیاست جنایی توجه خود را به بزه دیده تسری می دهد تا جایی که گاه بزه دیده جای بزهکار را می گیرد؛ بر همین اساس، برخورد سیاست جنایی با بزه دیده مقصّر و بزه دیده بدون تقصیر که عمده قربانیان مستقیم جرایم از این گروه اند، متفاوت است.

برخی قوانین هم با توجه به بزده دیده، دست به جرم انگاری برخی رفتارها با عناوین جدید می زنند. پیام توصیفی، تبیینی و آموزشی حقوق کیفری، در اینگونه موارد، تأکید بر جنبه حمایتی از ارزش های اجتماعی و بزده دیدگان است. (لازرژ، ۱۳۹۵: ۶۱)

در قانون مجازات مصر در قسمت اول ماده ۳۳۹ که بیان می دارد: «هر کسی که از فرصت ضعف نفس یا هوی و هوس دیگری سوء استفاده نماید و به او به هر طریق ممکن به سودی بیش از حد مجاز قانونی وجه نقد قرض بدهد مجازات می شود...» با لحاظ این که در این حالت بزده دیده بدون تقصیر است به بزده دیده توجه داشته و افتراقی سازی بر پایه قربانی جرم را مدنظر قرار داده و سیاست جنایی مصر توجه خود را بدین نحو در موضوع ربا به بزده دیده تسری می دهد.

۲-۴-۲- مدل^۱ سیاست جنایی

مدل های سیاست جنایی به دو دسته: مدل های دولتی و جامعوی تقسیم می شوند که با توجه به جرم انگاری ربا در حقوق مصر به مدل دولتی سیاست جنایی به شرح ذیل پرداخته می شود:

۱-۲-۴-۲- مدل دولتی سیاست جنایی

ویژگی اساسی مدل های دولتی عبارت است از پاسخ دولت - از طریق نهادهای مختلف وابسته به آن - به بزده در قالب یک رابطه قوی که غالباً - و نه همیشه - با استفاده از حقوق کیفری و آیین دادرسی کیفری اعمال می گردد. سه مدل دولتی سیاست جنایی عبارتند از: مدل دولت اقتدارگرا^۲، مدل دولت اقتدارگرای فراگیر^۳ و مدل دولت - جامعه لیبرال یا دموکراتیک (مردم سالار).

۱. Model از ریشه لاتینی modus به معنای اندازه گرفته شده است. ر ک: پیرو (آلن)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه دکتر باقر ساروخانی، انتشارات کیهان، ۱۳۶۷، صص ۲۲۸-۲۲۹.

2. Etat autoritaire
3. Etat totalitaire

مدل های دولت اقتدارگرا و اقتدارگرای فراگیر هر کدام به نحوی پاسخ های دولتی نسبت به بزه و انحراف بیان می دارند، لذا از آنجا که به نظر می رسد سیاست جنایی مصر حسب مطالب پیش گفته نسبت به انحراف پاسخی دولتی نمی دهد صرفاً به بیان سیاست جنایی مدل دولت - جامعه لیبرال یا دموکراتیک (مردم سالار) می پردازیم.

۲-۲-۴-۲- مدل دولت - جامعه مردم سالار

فرمول مدل سیاست جنایی دولت - جامعه دموکراتیک (مردم سالار) یا لیبرال بدین شرح است:

بزه = پاسخ دولتی

انحراف = پاسخ جامعه‌ی

ارزش مرجع در این مدل، آزادی است، فضای آزاد که در عین حال باید میان فشارها و الزام های دولتی باقی بماند.

ایدئولوژی مرجع در این مدل، ایدئولوژی لیبرال (آزادمنش) یا سوسیال دموکرات بوده و متضمن آن است که پاسخ های به انحراف عمدتاً جامعه‌ی باشد. این پاسخ ها از طریق خانواده، مدرسه، محیط شغلی و کاری و محیط اجتماعی پیرامون فرد ابراز و بیان می شود. بنابراین پاسخ ها متعدد و بر حسب طبقات اجتماعی و نسل ها متغیرند؛ ولی بیشتر نوع و ماهیت پاسخ های به جرم است که این مدل را مشخص می کنند تا پاسخ های به انحراف (لازرژ، ۱۳۹۵: ۹۶).

همان طور که قبلاً بیان شد نظام حقوقی مصر برگرفته از نظام حقوقی فرانسه است. در اصل ۴ از قانون اساسی مصر، نظام این کشور را نظامی سوسیالیست دموکرات معرفی می نماید؛ لذا می توان بیان داشت که در قبال بزه به مانند نظام حقوقی فرانسه، در مصر نیز پاسخ دولتی و در مقابل انحراف، پاسخ جامعه‌ی است.

با توجه به ماده ۳۳۹ قانون مجازات مصر و نحوه جرم انگاری ربا توسط قانونگذار مصری از یک سو، و حاکمیت فقه حنفی در کشور مصر از سوی دیگر، می توان چنین نتیجه گرفت که در مقابل بزه ربا، دولت با پذیرش دریافت و پرداخت ربا تحت شرایطی - که سابقاً تشریح گردید- موضوع دریافت و پرداخت اضافه از آن حد را به جامعه واگذار نموده و با تعیین مجازات برای دریافت و پرداخت مازاد بر میزان مجاز قانونی به مبارزه با آن پرداخته و نسبت به آن پاسخ دولتی می دهد و از سوی دیگر، نسبت به رباخواری به میزان کمتر از حد تعیینی توسط دولت پاسخ دولتی نداده و به دلیل حرمت آن از منظر فقه حنفی پاسخ ها در جامعه مصر و از سوی گروه های مذهبی با نهی از معامله صورت گرفته و حرام دانستن آن داده می شود.

نتیجه گیری

با توجه به تحقیقات و پژوهش صورت گرفته، در حال حاضر سیاست جنایی ایران در خصوص بزه ربا، سیاست جنایی دولت - جامعه مردم سالار است که نسبت به بزه پاسخی دولتی داشته و نسبت به انحراف پاسخ جامعه می دهد؛ منتهی با توجه به مطالب فوق الذکر، نیازمند تقویت و توجه به سیاست اتخاذ شده هستیم؛ چراکه سیاست جنایی تقنینی که در حال حاضر وجود دارد به علت ابهامات بسیار، جوابگوی مبارزه با رباخواری نمی باشد و همچنین سیاست جنایی قضایی به علت متأثر بودن از سیاست جنایی تقنینی در بسیاری از موارد از مجازات مرتکبین این جرم ناتوان است.

در نظام حقوقی مصر، اگرچه طبق ماده ۲ قانون اساسی مصر هیچ کدام از قوانین کشور نباید مغایر قوانین شریعت اسلام باشد منتهی در حقوق این کشور نفس قرض یا معامله ربوی به خودی خود جرم نیست بلکه قرض وجه نقد به سودی بیش از آن چه که قانون مقرر نموده است در صورت اجتماع شرایطی جرم تلقی گردیده است؛

بنابراین ملاحظه می‌کنیم جرم ربا در حقوق مصر اگرچه با معنای لغوی آن شباهت هایی دارد اما از معنای مصطلح و فقهی آن فاصله گرفته است.

در خصوص ربا، قانونگذار مصری طی دو عنوان مجرمانه در ماده ۳۳۹ قانون مجازات مبادرت به جرم انگاری نموده است و در صدر این ماده، با لحاظ این که در این حالت بزه دیده بدون تقصیر است به بزه دیده توجه داشته و افتراقی سازی بر پایه قربانی جرم را مدنظر قرار داده و سیاست جنایی مصر توجه خود را بدین نحو در موضوع ربا به بزه دیده تسری می‌دهد و طبق ذیل این ماده، با توجه به وضعیت مرتکب، اعتیاد و خطرناکی مجرم، به جرم انگاری مستقل پرداخته و سیاست جنایی افتراقی بر پایه معیار بزهکار را برگزیده است.

در ماده ۴ از قانون اساسی مصر، نظام این کشور را نظامی سوسیالیست دموکرات معرفی می‌نماید، لذا می‌توان بیان داشت که در قبال بزه به مانند نظام حقوقی فرانسه، در مصر نیز پاسخ دولتی و در مقابل انحراف، پاسخ جامعی است.

با توجه به ماده ۳۳۹ قانون مجازات مصر و نحوه جرم انگاری ربا توسط قانونگذار مصری از یک سو، و حاکمیت فقه حنفی در کشور مصر از سوی دیگر، می‌توان چنین نتیجه گرفت که در مقابل بزه ربا، دولت با پذیرش دریافت و پرداخت ربا تحت شرایطی موضوع دریافت و پرداخت اضافه از آن حد را به جامعه واگذار نموده و با تعیین مجازات برای دریافت و پرداخت مازاد بر میزان مجاز قانونی به مبارزه با آن پرداخته و نسبت به آن پاسخ دولتی می‌دهد و از سوی دیگر، نسبت به رباخواری به میزان کمتر از حد تعیینی توسط دولت پاسخ دولتی نداده و به دلیل حرمت آن از منظر فقه حنفی، پاسخ ها در جامعه مصر و از سوی گروه های مذهبی با نهی از معامله صورت گرفته و حرام دانستن آن داده می‌شود.

با بررسی سیاست های اتخاذی کشورهای هدف در این مقاله به نظر می‌رسد سیاست اتخاذی از سوی ایران به نسبت کشور مصر کارآمدتر و منطبق بر موازین فقه

است؛ اما این نکته حائز اهمیت است که به اعتیاد به ربا در مصر پرداخته شده در حالی که این موضوع در ایران مغفول مانده است. این تفاوت در شرایط و ارکان جرم ربا و ویژگی های آن در نظام های حقوقی ایران و مصر از اختلاف مبنایی بین قانون ایران و مصر ناشی می شود؛ بدین ترتیب که مبنای جرم ربا در حقوق ایران آموزه های شرع مقدس اسلام و منابع و متون فقهی است اما جرم در حقوق مصر از قوانین کشورهای غربی مانند فرانسه اقتباس شده است.

با عنایت به بررسی صورت گرفته برای مبارزه با جرم ربا در ایران پیشنهاد می شود ابتدا ایرادات وارد بر ماده ۵۹۵ قانون مجازات اسلامی برطرف شود و سپس در راستای سیاست جنایی مشارکتی، هدف گزارش دادن جرم به شکل صحیح بیان شود که این امر خود یکی از عوامل مسئولیت پذیری مردم در قبال جرایمی است که در کنارشان اتفاق می افتد؛ حتی اگر به صورت مستقیم به آنها ارتباطی نداشته باشد. در سیاست جنایی تقنینی می بایست تحولات عظیمی در مجازات ها صورت پذیرد. بر اساس سیاست جنایی پیشگیری ثانویه، نوع مجازات اگر هدفمند باشد می تواند در آینده از تکرار جرم جلوگیری نماید.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمشه ای.
- ابن قدامه، عبدالله بن احمد (۱۳۶۳)، **المغنی**، ج ۴، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن کثیر، اسمعیل بن عمر بن کثیر دمشقی (۱۴۲۰ق)، **تفسیر القرآن العظیم**، ج ۱، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم (۱۳۶۶)، **لسان العرب**، بیروت: دار الفکر.
- ابن نجیم، زین العابدین بن ابراهیم (۱۹۶۸)، **الاشباه و انظائر**، بی جا: دار الفکر.
- اقبال، منور (۱۳۷۸)، **چالش های پیشروی بانکداری اسلام**، ترجمه حسین مسیمی؛ مسلم بمانپور، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- امیره عبداللطیف مشهوره (۱۳۷۲)، **الاستثمار فی الاقتصاد الاسلامی**، قاهره: مکتبه مدبولی.

- انصاری، عباسقلی؛ عباس زاده دیباور، محمدعلی؛ امینی، محمد (۱۳۹۸)، **سیاست جنایی تقنینی ایران در جرم انگاری جرائم اقتصادی**، پژوهش های سیاسی و بین المللی، ۳۸، ۱۱-۱۵.
- پاک نهاد، امیر (۱۳۹۴)، **سیاست جنایی ریسک مدار**، چ ۲، تهران: میزان.
- جمشیدی، علیرضا (۱۳۹۵)، **سیاست جنایی مشارکتی**، تهران: میزان.
- جواهری، حسن محمدتقی (۱۴۰۵)، **الربا فقهياً و اقتصادياً**، ج ۱، قم: بی نا.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق)، **تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه**، ج ۱۸، قم: مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث.
- حسینی، محمود نجیب (۱۹۹۲)، **شرح القانون العقوبات**، بیروت: دار النهضه العربیه.
- حسینی، سید احمد (۱۳۸۹)، **مطالعه تطبیقی راجع به جرم اقتصادی ربا در حقوق ایران و مصر**، پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی.
- حسینی، سید محمد (۱۳۹۴)، **سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران**، چ ۴، تهران: سمت.
- خمینی (امام)، سید روح الله (۱۳۹۲)، **تحریر الوسيله**، چ ۴، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خندان، مهرانگیز (۱۳۹۰)، **کیفر یا ترمیم در کنش با مفسد اقتصادی**، وکیل مدافع، ۳، ۸-۹.
- دانشور ثانی، رضا (۱۳۸۲)، **جرائم اقتصادی**، پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- زراعت، عباس (۱۳۸۸)، **شرح قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات**، چ ۲، تهران: ققنوس.
- زرقاء، مصطفی (۱۳۸۸ق)، **المشکلات العصریه فی میزان الشریعه الاسلامیه**، بیروت: مجله البعثه.
- سنهوری، عبدالرزاق احمد (۲۰۰۷م)، **الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید**، بیروت: المجلس القانونیه.
- شاطبی، ابراهیم بن موسی (۱۳۸۱)، **الموافقات فی اصول الشریعه**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۲۸۱ ————— مطالعات فقه و حقوق اسلامی - سال ۱۳ - شماره ۲۴ - بهار و تابستان ۱۴۰۰

- شامیاتی، هوشنگ؛ ترکی هرچنگانی، غلامعباس؛ رهامی، محسن (۱۳۹۸)، **بررسی فقهی حقوقی فساد مالی در آئینه سیاست جنایی تقنینی ایران**، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۲۰، ۹۵-۱۲۰.

- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۵۹)، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، ج ۲، ترجمه: احمد بهشتی، تهران: فراهانی.

- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق)، **جامع البیان فی تأویل القرآن**، بیروت: دار الکتب العلمیه.

- عبدالملک، جندی (۲۰۰۸م)، **الموسوعه الجنائیه**، بیروت: وارد العلم للجمع.

- علی آبادی، عبدالحسین (۱۳۷۳)، **حقوق جنایی**، ج ۳، تهران: فردوسی.

- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۱۱ق)، **التفسیر الکبیر**، ج ۹، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

- قرطبی، محمد بن احمد انصاری (۱۳۸۷)، **الجامع لأحكام القرآن**، ج ۳، قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان.

- کوشا، جعفر (۱۳۸۱)، **جرایم علیه عدالت قضایی**، تهران: میزان.

- لازرژ، کریستین (۱۳۹۵)، **درآمدی بر سیاست جنایی**، ترجمه: علی حسین نجفی ابرندآبادی، چ ۵، تهران: میزان

- محمد عزیزاده اشکلک، حبیب (۱۳۸۳)، **سیاست جنایی قضائی ایران در خصوص جرم ربا**، مجله حقوقی دادگستری، ۴۶، ۱۳۵-۱۴۳.

- مصری، رفیق یونس (۱۴۰۷ق)، **مصرف التنبیه الاسلامی أو محاوله جدیده فی الربا و الفائده و البنک**، بیروت: مؤسسه الرساله.

- مطهری، مرتضی (۱۳۹۶)، **ربا، بانک و بیمه**، چ ۲۵، تهران: صدرا.

- ملکی، علی (۱۳۹۵)، **ماهیت ربا و سیاست جنایی ایران در مبارزه با جرم ربا**، پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد، آمل: دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه غیر انتفاعی شمال.

- نجاریان، محمدحسن (۱۳۹۰)، **ترجمه قانون مجازات جمهوری عربی مصر**، تهران: طرح نوین اندیشه.

- نجفی (صاحب جواهر)، محمدحسن (۱۴۱۴ق)، **جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام**، ج ۲۶، چ ۷، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

- ولی پوری، معصومه؛ دوست بین، امید (۱۳۹۷)، درآمدی بر سیاست جنایی (پیشگیری از جرم)، اصفهان: پیام دانشگاهی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی